ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۵۷ | اذان مغرب ۱۹/۲۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۶ | اذان صبح فردا ۴/۲۸ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

سخن روز

امام حسن عسگری (ع):
مؤمن برای مؤمن، برکت است و برای کافر، اتمام حجّت.
(تحف العقول، حرّانی، ص ۳۶۳)

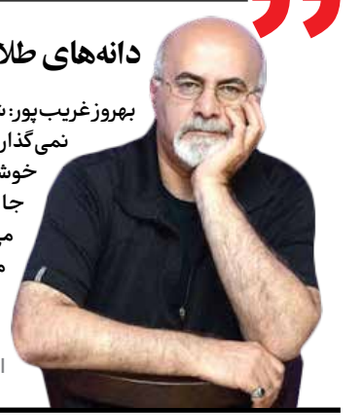

دانه‌های طلایی شعر فارسی نمی‌گذارند راه را گم کنم

بهروز غریب‌پور: شعر فارسی اجازه نداده لحظه‌ای افسرده شوم و وقتم را به بطالت بگذرانم، این ابیات نمی‌گذارد که راه را گم کنم. ادبیات فارسی بخشی از زندگی من شده است؛ در خواب و بیداری، در خوشی و ناخوشی، در رنج و شادی با شاعران همراه شده‌ام و لحظه‌ای از آنان دور نبوده ام؛ هر جا نگینی دیده‌ام آن را برداشتم و در کارم استفاده کردم، برای ساختن یک اپرا شعر را مهندسی می‌کنم و ابیات را کنارهم می‌گذارم. این دانه‌های طلایی شعر فارسی را روی صفحه اپرا مانند منجوق به هم می‌دوزم و یک اثر درخشان از آن بیرون می‌آید؛ هر جا بیتی می‌بینم، ذوق زده می‌شوم و به دنبال راهی می‌گردم که از آن استفاده کنم این ابیات نه تنها اپرا که جهان پیرامون را شکل می‌دهد و می‌سازد.

از صحبت‌های این نویسنده، کارگردان تئاتر و سینما با ایرنا

رافائل همه تو زندگیشون راز دارند. اصلا به واسطه همین رازهاست که تعریف میشن. رازها بخشی از هویت ما رو تشکیل میدن. بخشی از زندگیمون رو...

دختری از بروکلین
گیوم موسو
آریا نوری
نشر البرز

نـــگاره

سهیل محمدی

تأثیر قیمت دلار بر زندگی قشر آسیب پذیر

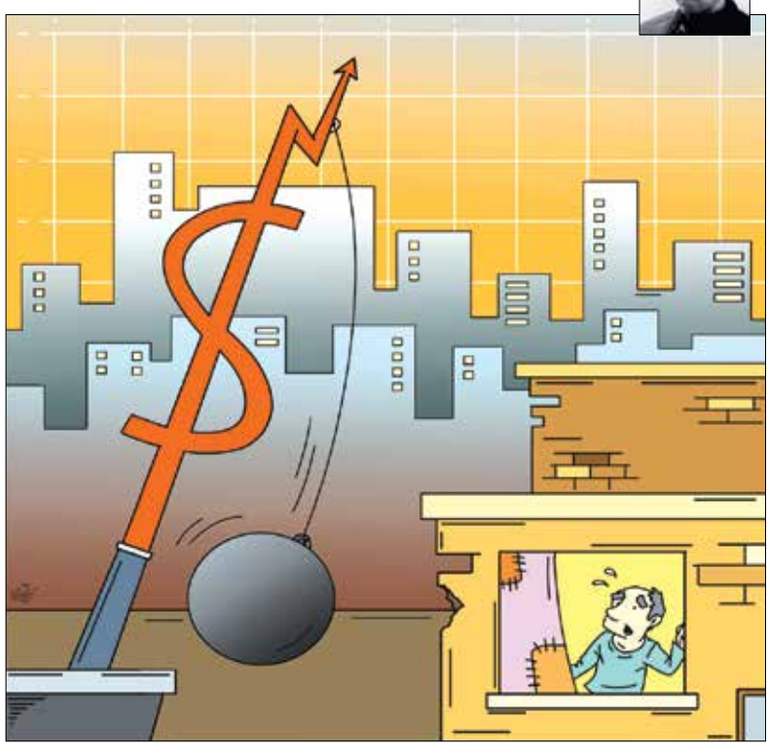

#بورس

هشتگ

تغییرات بازار بورس دیروز هم یکی از مهم‌ترین سوژه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی بود. هم به‌دلیل نوسان‌هایی که شاخص کل تجربه کرد هم به‌دلیل بازگشایی نمادهای پالایشی که به نظر بسیاری از کاربران بسرعت انجام شد. تحلیل بازار و این بازگشایی و تأثیرش از مهم‌ترین بحث‌های بورسی بود: «روز پرنوسان بورس نزولی تمام شد»، «دوستان اصلاح بازار بورس هنوز تموم نشده خواهشاً نرید تو صف خریدهای فیک. در بهترین حالت یک ماه دیگه درگیریم صبر کنید»، «شفافیت، اولین گامی است که باید سازمان در جهت بهبود بازار سرمایه بردارد.

نبود شفافیت در کنار دامنه نوسان غیر معقول با توجه به رشد عمق بازار، چیزی جز بی‌اعتمادی و رشد بازارهای دلالی نخواهد داشت. خوب است نهادهای مسئول، با همفکری سهامداران، بیشتر به بهبود کیفیت بیندیشند.»، «مشتری جدید اومد با مشتری تو کافه آشنا درومد شروع کردن به حرف زدن درباره بورس و اینکه یه چیزایی قراره امروز عرضه شه و زیر قیمته و تا دو هفته ۲۰درصد سود داره بعد که رفت مشتری اولی گفت همه مردم دلال شدن»، «چرا بورس باز قرمز شد؟!»، «کاش یکی از آقازاده ها هم دلش بورس بخواد بلکه درستش کنن»، «حجم کل پولی که صندوق توسعه ملی میتونه به بورس تزریق کنه درنهایت اندازه یک روز حجم معاملات باشه. بازارهم نیازی به این پول نداره.ای کاش با تصویب این کار اینقدر حاشیه برای بازار ایجاد نمی‌شد.»، «تا زمانی که شاخص کل و شاخص کل هم‌وزن سقف‌های تاریخی خود را با قدرت عبور نکنند امید چندانی به بازار نیست و حمایت‌ها کارگر نخواهند بود»، «فاصله بین اطلاعیه بازگشایی نمادهای پالایشی، تا بازگشایی در قیمت مورد تأیید ناظر فقط ۲۲ دقیقه بود»، «شاهد رنج مثبت در پالایشی هستیم»، «سریع‌ترین بازگشایی چند وقت اخیر رو شاهد بودیم! هم تایم مچینگ و هم مدت زمانی که ممنوع بودن تا ناظر تأیید کنه»، «تا همین دیروز مسئولان بورس از زمان بازگشایی نماد پالایشی‌ها اظهار بی‌اطلاعی کردند. صبح سؤال نکردیم که اگر می کردیم بازم خبر نداشتن»، «تو نمادهای پالایشی میخوان فشار فروششون رو بگیرن و جذابیت قیمت سهم‌ها رو برگردونن. چه سهامدار باشید چه نوسانگیر اینجا فروش معنی نداره.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

امنیت زنان

ماجرا

مدتی است بحث امنیت زنان در شهر تهران دوباره مطرح شده است. بخصوص بعد از موجی که درباره روایت‌های آزار در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت.

شهرداری تهران دستورالعملی برای ارتقای امنیت زنان در شهر اعلام کرد که یکی از بخش‌های آن باعث تعجب کاربران شبکه‌های اجتماعی شد. زهرا بهروزآذر، مدیرکل امور بانوان شهرداری تهران اعلام کرد برای اجرای این دستورالعمل قرار است بوته‌های شمشاد در سطح شهر کوتاه نگه داشته شوند.

کاربران زیادی به این مسأله اشاره کردند که امنیت زنان تنها وابسته به این مسأله نیست و به تغییر دیدگاه نیاز دارد و البته زنانی هم مواردی را برای تأمین امنیت زنان در شهر پیشنهاد می‌دادند: «برای امنیت زنان در خیابان باید شمشادها را کوتاه کنیم.

شاید فک کنین جوک باشه اما اینو شهرداری تهران گفته»، «چند وقت پیش یک سارق که پشت شمشاد مخفی شده بود یکی از آشناهام رو خفت‌گیری کرد و علاوه بر دزدیدن گوشی، به صورتش آسیب رسوند. مگه بحث امنیت زنان فقط همینه؟»، «اصلاح کالبد فیزیکی شهر از خواسته‌های زنان برای مقابله با آزار جنسی و افزایش حس امنیت بوده، از نبود تبلیغات روی پل‌های عابر تا روشنایی و انواع رؤیت‌پذیری. کوتاه شدن شمشادها یا هر طرح دیگر در کنار بقیه عوامل جزو بدیهیات اولیه‌ای است که شهر به آن نیازمند است. ایراد و نقد به طرح کجاست؟»، «من روی پل‌های عابر پیاده که تابلوهای تبلیغاتی اونا رو پوشونده، کنار ساختمان‌های نیمه‌کاره، پشت شمشادهای بلند که دید رو کور میکنه، هرجای کم نور که احتمال اذیت و آزار زیاد میشه و احساس ناامنی می‌کنم.»، «از صبح فکرم درگیر اینه که کوتاه نگه داشتن شمشادا چه ربطی به ارتقای امنیت زنان داره؟»، «خیلی از این موارد برای امن‌تر کردن شهر لازمه. مثل مدیریت فضاهایی که معتادان جمع میشن، یا افزایش نور، یا مدیریت مراکز پر تردد. اینها خدماتیه که شهرداری به شهروندان تهرانی میده. استفاده از کلمه امنیت زنان، بازاریابی سیاسی از خواسته‌های اجتماعی و بحق زنانه»، «شاید کار شهرداری نباشد اما یکی از مهم‌ترین‌هایش بالابردن هزینه انجام رفتارهایی است که امنیت زنان را به خطر می‌اندازد»، «نیت: بسیار عالی. پیشنهاد: درخت‌ها و بوته‌ها رو قطع کنید که «رؤیت‌پذیری» بالا بره؟چرا کار فرهنگی نمی کنند؟ چرا تهران رو تبدیل به شهر ناامن برای آزارگران جنسی نکنیم؟»، «سال‌هاست موضوع امنیت در شهر برای زنان مطرحه و البته که امنیت در شهر با ابلاغ دستورالعمل به دست نمیاد.»

یادداشت

محمد جلیل عندلیبی
نوازنده سنتور و آهنگساز

۱۱ سال از درگذشت پرویز مشکاتیان می‌گذرد...

سرپنجه‌های عشق

آشنایی‌ام با زنده‌یاد پرویز مشکاتیان به دوران تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برمی‌گردد؛ سال‌های ۵۲ تا ۵۶ و بعد آن در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، این دوستی ادامه پیدا کرد. زنده یاد داریوش صفوت سال ۱۳۴۷ این مرکز را که وابسته به سازمان رادیو و تلویزیون وقت بود بنیان نهاد و در کنار ریاست، کار تدریس را به همراه نورعلی خان برومند برعهده داشت و استادان همه ما بودند. تلاش آقای صفوت در این مرکز کشف و پرورش استعدادهای موسیقی ایران و هدایت نخبه‌های موسیقی اصیل ایران بود مانند محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، علی اکبر شکارچی، عطاالله جنگوک، ناصر فرهنگ‌فر، مجید کیانی، رضا شفیعیان، داوود گنجه‌ای، حسین عمومی، محمد موسوی، محمدعلی کیانی نژاد، بهمن رجبی و... استادان باتجربه و مستعدی که همچنان سبک آموزشی‌شان مورد توجه و تدریس است و پرورش یافته آن دوران هستند.

آقای مشکاتیان هم دانش آموخته این مرکز بود، هنرمندی که ذات هنر در او متبلور بوده و به عقیده من این خصلت، یک موهبت الهی از سوی خداوند است که به آهنگسازان واقعی عنایت شده است و پرویز مشکاتیان یکی از همین افراد بود. آن دوران سه ارکستر در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی فعالیت داشتند که سرپرستی یکی از ارکسترها برعهده مشکاتیان بود وارکستر مولانا را من برعهده داشتم.

زنده یاد مشکاتیان در آهنگسازی، تک نوازی و همچنین در قطعاتی که برای ساز سنتور نوشته شده است، شیوه منحصر به خود داشت و این شیوه برگرفته از آشنایی و آگاهی او بر ردیف و موسیقی اصیل ایران بوده است. شیوه نوازندگی او در نواختن ساز سنتور به نوعی شیرین نوازی بود. لازم به ذکر است پردازش شیرین نوازی براساس حفظ اصالت‌های موسیقی ایران کار بسیار مشکلی است اما مشکاتیان به زیبایی و ترفندی خاص از عهده این کار برآمده و توانست آثار نو و ماندگاری از خود به یاد بگذارد. همچنین بعد از زنده‌یاد فرامرز پایور دو تحول بنیادین در سنتور نوازی ایجاد کردند که بر اساس موسیقی ردیف دستگاهی ایران بوده است و می‌توان گفت بدعتی نو در نواختن این ساز بوده که همچنان مورد استفاده است و آثار سرپنجه‌های زیبای مشکاتیان در تاریخ موسیقی ایران به یادگار ثبت شده و او همیشه زنده است.

پرویز مشکاتیان علاوه بر تبحر و تجربه بسیار بر دانش موسیقایی از شخصیت اخلاقی بارز و منحصر به فردی هم برخوردار بود و با جامعه خود تعامل بسیاری داشت و فرصت‌ها را غنیمت می‌شمرد البته منظور این است که هنرمندی هوشیار بود و در بزنگاه‌های تاریخ در کنار مردم قرار می‌گرفت.

اما هزاران بار افسوس که خیلی زود پرویز مشکاتیان را از دست دادیم، آن هم در برهه‌ای از تاریخ که زمان شکوفایی و نبوغ این هنرمند بزرگ بود. در واقع او نتوانست تحمل ناملایمات زندگی را برتابد. اگرچه وداع مشکاتیان ضربه‌ای بزرگ بر پیکره موسیقی اصیل ایران و جایگاهش برای همیشه خالی است ... یادش جاویدان

از راست به چپ: محمدجلیل عندلیبی، بهمن رجبی، رضا شفیعیان، داوود گنجه‌ای، محمد مقدسی، حسین علیزاده، زنده یاد پرویز مشکاتیان و علی اکبر شکارچی – ۱۳۵۵

به مناسبت برگزاری آنلاین بیست و هفتمین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران

بزودی صدای پای‌تان می‌پیچد روی پله ها

یادداشت

هادی مظفری
مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پارسال، توی هواپیمایی که ما را از ایلام می‌آورد تهران و بر بلندای کوه‌های زاگرس، با هم تصمیم گرفتیم جشنواره بعدی را حسابی مفصل برگزار کنیم. صبح‌ها کارگاه، عصرها نشست ونقد ونظر وشب ها، شب نشینی هنرمندانه تا پاسی از شب.گفتیم با جوان‌های هنرایران می‌رویم شیراز یا اصفهان تا جوان‌های ۱۵ تا۲۴ ساله هنرشان را به رخ همگان بکشند؛ ازماهها پیش که کووید۱۹ آمد و اول، همه را ترساند، گفتیم می‌مانیم تهران تا استادان، کمترچمدان ببندند و قدری از خطرهای سفر کم شده باشد. وقتی ماسک‌های سفید و آبی، صورت همه ما را شبیه حجره‌هایی کرد که کرکره‌اش تا نیمه پایین است و انگار نیمه تعطیل، گفتیم می‌رویم اردوگاه منظریه. در دل کوه‌های کلکچال و شمال تهران و بوستان سنگی جمشیدیه که هوا ساکن نماند و جوان‌ها با فاصله بنشینند زیر درختانِ زبان گنجشک و تیوپ رنگ‌ها را بچینند روی بلوک های سیمانی، حتی اتاق‌ها و تخت‌ها را برای هر نفر جداگانه تدارک دیدیم و چیدیم که خیال همه‌مان راحت باشد.

ولی مگر راحت می‌شد خیال مان؟

وقت تنهایی، فکرهایی می‌ریخت توی سرمان که اگر بازی کرده باشیم با جان بچه‌ها و استادان و کادر اجرایی چه؟ اگر حتی یک نفر از بچه‌ها تب و سرفه‌ای ببرد به شهرش چه؟ نمی‌خواستیم تسلیم شویم دربرابر ویروسی که اهل کوتاه آمدن نبود و نمی‌شد گذشت از دیدنِ صورت ماه بهترین جوانان هنرمند ایران که برخی‌شان چشم کشیده بودند پانزده ساله شوند و برخی شان، سال آخری بود که می آمدند در این جشن. به ناگزیر لپ تاپ‌ها را برداشتیم و آمدیم «خانه هنرمندان ایران »که باید چراغش روشن بماند برای همیشه هنر این خاک. این روزها زیاد طولانی نیست که استادان هنر این دیار شما و آثار پراز نبوغ‌تان را در صفحه ۱۷ اینچ ببینند! دفعه بعد، دیوار گالری‌های تابستان و زمستان و میرمیران، ایستاده‌اند تا آثارتان را بیاویزید روی سینه‌شان و پله‌های طبقات همین خانه، لحظه شماری می‌کنند برای صدای پاهای شما که روزی شرکت کننده جشنواره جوانان تجسمی بودید و آن روز ، پوسترهای توی حیاط وعده کرده‌اند برای آیین گشایش نمایشگاه شما. کجا؟ تهران، خانه هنرمندان ایران.

شهیدگاه و روایت زن‌ورانه از تاریخ

چی ببینیم

شهیدگاه (بخش دوم) اثر آیدین باقری و حمیدرضا علی‌ثانی روایتی زن‌ورانه در گالری طراحان آزاد از تاریخی است که مورخانش در برهه‌هایی سرنوشت‌ساز به حذف زنان و نقش زنان پرداخته‌اند و روایات را آن‌گونه ضبط کرده‌اند که گویی تعمدی است در این حذف پیاپی زنان از تاریخ مکتوب. نمایشگاهی چندرسانه‌ای که هم در مسأله‌اش و هم در نحوه ارائه، در تلاش است برای ایجاد چالش و اختلال در ساختار حاکم بر مناسبات.

سال‌هاست که بسیاری از گالری‌های تهران بیش‌از پیش بر مدار خرید و فروش و بازنمایی صرف زیبایی‌شناسانه آثار هنری تمرکز دارند و پرسه‌زن‌های مشخصی را نیز در برمی‌گیرند. از این‌رو کم‌تر اثری از وجوه انتقادی آثار و طیف گسترده مخاطبان غیر هنری را شاهد هستیم. این‌بار اما شهیدگاه در گالری طراحان آزاد شما را با وجهی کاملاً انتقادی و فراتر از زیبایی‌شناختی صرف روبه‌رو خواهد کرد؛ فضایی که بی‌شک هر مخاطبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پرسش‌های بسیاری را از نو مطرح خواهد کرد.

آیدین باقری پیش‌از آن‌که هنرمند باشد جامعه‌شناس است و شاید به‌همین دلیل رویکردش در عین اشراف بر حوزه هنر کاملاً بینارشته‌ای است و تلاش کرده تا این منظر را نیز در اختیار مخاطبانِ خود قرار دهد؛ منظری که شاید به‌زعم خودش اختلالی تمام عیار در بسیاری از حوزه‌ها از نظام دانش تا بازنمایی باشد.

نمایشگاه شهیدگاه با تمرکز بر لحظه حضور زنان در جنگ چالدران و نبردشان دوشادوش مردان، تلاش می‌کند تا حتی از این رخداد نیز عبور کرده و وضعیت را در لحظه اکنون گره بزند؛ وضعیتی که به‌درستی شاید بتوان همان سیطره عقل مذکری دانست که خود نیز راوی زنان است. نمایشگاه شهیدگاه نمایشگاهی چند رسانه‌ای است و با توجه به نحوه چیدمان و رسانه‌هایی که اتخاذ کرده، به‌راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. لازم به توضیح است که هنگام بازدید از شهیدگاه، شما با هیچ لیست قیمتی مواجه نخواهید بود! چرا که هیچ یک از آثار به جهت فروش ساخته نشده‌اند که این مهم، نشان از مستقل بودن داشته و شاید این موضوع نیز برایتان قابل تأمل باشد. نمایشگاه شهیدگاه تا یک مهرماه برپاست.

عکس نوشت

نمایشگاه آثار گونتر اوکر نقاش آلمانی با نام «کرنش به حافظ» در موزه گوته شهر دوسلدورف آلمان برگزار شده است و البته هنرمندان ایرانی هم آثارشان را با موضوع حافظ به نمایش گذاشته‌اند. اوکر پیش از این، نمایشگاهی از مجموعه آثارش با همین نام از خاطرات نخستین سفرش به ایران از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در هشت شهر ایران (شیراز، تهران، اصفهان، کرمان، مشهد، رشت، بوشهر و کیش) به نمایش گذاشت و پس از آن تصمیم گرفت هنرمندانی از ایران را در این پروژه همراه خود کند و نمایشگاه را دور اروپا به نمایش بگذارد. مرتضی ترسلی از شیراز، محمد رضایزدی از تهران، علی محبوبی صوفیانی از اصفهان، شهریار رضایی از کرمان، بابک منتظری از مشهد، عارفه آراد از رشت، فرزاد دشتی‌زاده از بوشهر و ندا آیتی از کیش با آثار حجم و اینستالیشن در نمایشگاه «کرنش به حافظ» در کنار اوکر هستند. این نمایشگاه از روز ۱۸ شهریور در حال برگزاری است و تا ۲۵ آبان ادامه دارد.

به نام تاریخ

■ ۳۰ شهریور

امروز پر از نام بزرگانی از هنر و ادبیات است که کوتاه نوشتن از آنها کار سختی است. اما در همین بهانه کوچک مروری می‌کنیم بر زندگی و آثارشان تا یادمان نرود هنر و فرهنگ ایران و جهان وامدار چه کسانی است.

■ **تولدها**

فریدون مشیری: شاعر شعر مشهور «کوچه» سال ۱۳۰۵ در چنین روزی به دنیا آمد. فریدون مشیری با علاقه‌ای که به ادبیات داشت از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۱ مسئول صفحه شعر و ادب مجله «روشنفکر» شد و بسیاری از شاعران مشهور معاصر اولین اشعارشان در این صفحات منتشر شد و معرفی شدند. شعر «کوچه» خودش هم سال ۱۳۳۹ در همین صفحه منتشر شد. در واقع خودش از ۱۵ سالگی شعر می‌سرود و اولین کتابش به‌نام «تشنه طوفان» زمانی که ۲۸ ساله بود با مقدمه محمدحسین شهریار و علی دشتی منتشر شد. پس از آن مجموعه‌های «گناه دریا»، «ابر و کوچه»، «بهار را باور کن»، «پرواز با خورشید»، «مروارید مهر»، «از دیار آشتی»، «با پنج سخن سرا» و «لحظه‌ها و احساس» را منتشر کرد که بسیاری از اشعارش در ذهن مردم ماندگار شد. مانند شعر «کوچه» که از محبوب‌ترین اشعار عاشقانه شعر معاصر ایران است. فریدون مشیری سال ۱۳۷۹ درگذشت.

سوفیا لورن: یکی از محبوب‌ترین بازیگران زن سینما امروز ۸۶ ساله می‌شود. سوفیا لورن ابتدا نقش‌های کوچک در فیلم‌های کوچک ایتالیایی بازی می‌کرد و بالاخره توسط کارلو پونتی تهیه کننده سینما استعدادش کشف شد. پس از بازی در فیلم‌های «برده فروشی سفید»، «آتیلا» و «چرخ و فلک ناپل» آنقدر به شهرت رسید که کارگردانانی مانند فدریکو فلینی و ویتورو دسیکا با او کار کردند و تبدیل به یکی از رقبای ستارگان زن هالیوود شد. سوفیا لورن در هالیوود در فیلم‌هایی مانند «دو زن»، «ال سید»، «کنتسی از هنگ کنگ» و «گذرگاه کاساندرا» بازی کرد. البته در این سال‌ها همچنان ارتباطش را با سینمای ایتالیا هم حفظ کرد و در فیلمی مانند «دیروز، امروز، فردا» به کارگردانی ویتوریو دسیکا حضور داشت که محبوب‌ترین فیلم لورن بین ایتالیایی هاست. لورن برای «دو زن» جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را گرفت و «صدای انسان» ساخت سال ۲۰۱۴ آخرین فیلمی بود که در آن بازی کرد.

جرج آر. آر. مارتین: نویسنده داستان محبوب «بازی تاج و تخت» سال ۱۹۴۸ در چنین روزی به دنیا آمد. در دوران دبیرستان به داستان‌های ابرقهرمانی و کمیک‌ها علاقه‌مند شد و خودش هم شروع به خلق این داستان‌ها کرد. از اوایل دهه ۷۰ میلادی نوشتن داستان‌های کوتاه علمی-تخیلی را جدی‌تر دنبال کرد و «با صبح گاه مه می‌آید» یکی از اولین داستان‌هایش بود که برنده دو جایزه هوگو و نبیولا هم شد. مدتی بعد نوشتن برای تلویزیون را آغاز کرد اما از سال ۹۱ به رمان نوشتن بازگشت و مجموعه «ترانه یخ و آتش» را آغاز کرد. اولین کتاب این مجموعه یعنی «بازی تاج و تخت» سال ۱۹۹۶ منتشر شد و چند سال به‌عنوان پرفروش‌ترین کتاب مطرح بود و بسیار مورد توجه منتقدان قرار گرفت. شبکه HBO با این موفقیت تمام حقوق تلویزیونی مجموعه «ترانه یخ و آتش» را خرید و سریال «بازی تاج و تخت» را براساس آن ساخت که یکی از محبوب‌ترین سریال‌های تاریخ تلویزیون جهان شد.

● سالروز تولد **خسرو عامری فر** خواننده، **چاک جونز** انیماتور امریکایی، **حسین ناظریان** فیلمبردار سینما، **دیوید سیلوریا** نوازنده امریکایی درام، **لوریس هویان** رهبر اپرا و پیانیست، **امیرحسین رستمی** بازیگر، **روح‌الله مهرابی** بازیگر، **کرینا کاپور** بازیگر هندی، **محمد حمزه‌ای** کارگردان و بازیگر، **حسین سلیمانی** بازیگر و **ارنستو تئودور مونتا** روزنامه نگار ایتالیایی و برنده جایزه نوبل هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

پرویز مشکاتیان: آهنگساز مشهور موسیقی سنتی و نوازنده سنتور سال ۱۳۸۸ در چنین روزی درگذشت. پرویز مشکاتیان متولد ۱۳۳۴ بود و مقدمات موسیقی را از پدرش آموخت که استاد سنتورنوازی بود. پس از ورود به دانشکده هنرهای زیبا نوازندگی سنتور را در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به‌صورت جدی ادامه داد و هم نوازنده بسیار ماهری شد هم توانست کارهای بزرگی در زمینه آهنگسازی و ساخت قطعات همنوازی و تصنیف انجام دهد. سال ۱۳۵۶ گروه موسیقی عارف را تشکیل داد و از همان سال همکاری با رادیو را هم آغاز کرد اما پس از واقعه ۱۷ شهریور از رادیو استعفا و مؤسسه چاوش را با هنرمندان گروه عارف و شیدا تشکیل داد. او در سال‌های فعالیتش با هنرمندان بزرگی مانند محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، حسین علیزاده و محمدرضا لطفی همکاری کرد که حاصلش آثار ماندگاری مانند «بیداد»، «آستان جانان»، «دستان»، «دود عود»، «مرا عاشق» است.

● **احمد عطایی** از پیشگامان صنعت نشر، **محمد بن قاسم انباری** ادیب و نحوشناس عراقی و **گابریل دانونزیو** نویسنده ایتالیایی هم در چنین روزی درگذشتند.